

ضرورت تدبیر سیاسی از منظر فقیه

به گزارش شبکه اجتهاد، اثر حاضر در دو بخش جداگانه، اندیشه‌های سیاسی هریک از این فقهای شیعی را بررسی کرده است.



به گزارش شبکه اجتهاد، اثر حاضر در دو بخش جداگانه، اندیشه‌های سیاسی هریک از این فقهای شیعی را بررسی کرده است. بازبینی اندیشه سیاسی متفکران مسلمان در قرن دهم و یازدهم هجری که عصر حاکمیت سلاطین صفوی در ایران است، اهمیت به سزایی در بررسی و تدوین منظومه فکری اندیشمندان شیعی دارد؛ زیرا این دوره از تاریخ شیعه، نقطه عطفی در اندیشه سیاسی شیعیان به حساب می‌آید.

در این دوره با حاکمیت سلاطین شیعه در ایران و خارج شدن شیعیان از اقلیت تحت سلطه و تبدیل شدن آنها به اکثریت حاکم در ایران و مهاجرت علمای شیعه از مراکز مختلف به ایران و همکاری آنها با دولت صفوی، زمینه شکل‌گیری فضای گفتمانی جدیدی را براساس همکاری سلطان شیعه و فقیه عادل فراهم شد. محقق کرکی، محقق اردبیلی، فیض کاشانی، محقق سبزواری، علامه مجلسی، شیخ علی‌نقی کمرهای و فاضل هندی در شکل‌گیری و گسترش این فضای گفتمانی جدید نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کردند. آرای سیاسی هریک از اندیشمندان مذکور به طور مستقل بررسی و تدوین شده است. در نوشته حاضر، اندیشه‌های شیخ علی‌نقی کمرهای و فاضل هندی اجمالا مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و طبیعی است که نویسنده این اثر مدعی دست یافتن به همه اندیشه این متفکران بزرگ نبوده و تنها اجمالی از آرای آن دو را در این مختصر گزارش کرده و اذعان داشته که هنوز جای کار تحلیلی بیشتر درباره اندیشه‌های آنان وجود دارد.

مهم‌ترین پرسشی که ذهن علمای شیعه را در عصر حاکمیت صفویه در ایران به خود مشغول داشته، چگونگی تطابق و هم‌آهنگی میان شرایط و وضعیت موجود در این دوران و اندیشه آرمانی شیعه درباره حکومت بود. به عبارت دیگر، سوال علما در این دوره آن بود که چگونه می‌توان میان سلطنت غیر معصوم (شاه) که مشروعیتی در اندیشه آرمانی شیعه ندارد، از یک سو و خدمات شاهان شیعه صفوی در ترویج آیین تشیع و حمایت از آن از سوی دیگر ارتباط برقرار کرد؟ آیا می‌توان حکومت آنها را به دلیل انحصار حمایت از مذهب شیعه و پیروان آن به شاهان صفوی به رسمیت شناخت و به همکاری با آنها پرداخت؟ در این صورت، محدوده اختیارات هریک از آنها (شاهان و علما) تا کجا خواهد بود؟

در پاسخ به این سوال‌ها هریک از علمای شیعه نظرهای خاصی را ارائه داده‌اند. برخی از آنها مانند کمرهای با تمییز میان سلطان جائز و عادل، سلطنت پادشاهان عادل را در خارج از محدوده شرع به رسمیت شناخته و همکاری علما را با این سلاطین در اداره امور شرعی جایز می‌دانند؛ بنابراین برخی از مناصب از جمله قضاوت، شیخ‌الاسلامی و صدارت را برعهده گرفتند. ایشان هم‌چنین با نگرارش رساله‌های مختلف، خطاب به شاهان هم‌عصر خود، آنها را در اعمال سیاست‌های عرفی نیز راهنمایی کردند. نوشته حاضر رهیافت‌های شیخ علی کمرهای را درباره آن چه گفته شد بررسی می‌کند.

زندگی و زمانه

شیخ علی‌نقی‌بن شیخ ابوالعلاء محمد هشام طغایی کمرهای، ملقب به زین‌الدین و عزالدین، از علمای مشهور قرن یازدهم هجری در دوره صفویه است که تقریباً در نیمه دوم قرن دهم در کمره فراهان به دنیا آمد و در همانجا رشد و نمو کرد. از چگونگی رشد علمی ایشان، در کتاب‌های رجال گزارش دقیقی نیامده است و آن چه درباره ایشان می‌دانیم این است که وی به دعوت امام قلی خان، حاکم فارس، در زمان سلطنت شاه صفی (1038-1053 هجری قمری) به شیراز آمده و به قضاوت در این شهر منصوب شد؛ بنابراین ایشان پیش از این تاریخ درجات عالی علمی را در همان منطقه فراهان سپری کرد. وی پس از تصدی پست قضاوت در شیراز، به دنبال این که خلیفه سلطان از سوی شاه عباس دوم به صدارت برگزیده و اعتمادالدوله وی شد، به دعوت ایشان از شیراز به اصفهان آمد و به منصب شیخ‌الاسلامی اصفهان که بالاترین منصب دینی - سیاسی بود، منصوب شد و تا آخر حیات خود، یعنی سال 1060 هجری در این منصب باقی ماند.

طبق گفته بزرگان، ایشان از فقها و متکلمان فاضل و جلیل‌القدر شیعه در این دوره بود. به تعبیر صاحب ریاض، وی فردی «؛فاضل، عالم، متدین، متصلب در دین، فقیه، محدث، ورع، زاهد، تقی، عابد و نقی» بوده است. ایشان از لحاظ علمی، از

سید ماجد بحرانی و برخی دیگر از فضلاء شیراز چون امیراحمد بن زین‌العابدین علوی بهره علمی گرفته و از محمد بن حسن عاملی نوه شهید ثانی، شیخ بهایی و میرداماد اجازه روایت گرفته است.

آثار به جای مانده از آنها بیان‌گر جامعیت وی در علوم معقول و منقول است؛ البته تنها به برخی از آنها دسترسی هست که در نگارش این مقاله از اکثر آنها از جمله کتاب‌ها و رسایل زیر استفاده شده است:

1. جامع صفوی: کمره‌ای این کتاب را در جواب افندی، مفتی دولت عثمانی نوشته و فتوای او را مبنی بر جواز قتل شیعیان رد کرده است و منزلت شیعه را به اثبات می‌رساند.
2. رساله لزوم وجود مجتهد در عصر غیبت: وی این رساله را درباره لزوم وجود مجتهد در عصر غیبت نوشته است و با روایات مختلف آن را به اثبات می‌رساند.
3. مسارالشیعه: این کتاب اغلب مشتمل بر نقل احادیثی درباره ویژگی شیعیان و توصیه شاه صفی به رسیدگی و توجه به مومنان و فقرای شیعه و علماست.
4. هم‌الثواب: کمره‌ای این کتاب را برای راهنمایی شاه صفی نوشته و در آن از برخی سیاست‌های دولت صفوی انتقاد کرده است و با بیان جایگاه مذهب شیعه و علمای آن، لزوم توجه شاه صفی به علمای شیعه را گوشزد می‌کند.

اوضاع سیاسی - مذهبی عصر کمره‌ای

شیخ علی‌نقی کمره‌ای، بیشتر عمر خود را در دوران حاکمیت شاه عباس اول (996-1038 هجری قمری)، شاه صفی (1038-1053 هجری قمری) و شاه عباس دوم (1053-1077 هجری قمری) سپری کرد و در تمام این دوران به ویژه در دوران حاکمیت شاه صفی و شاه عباس دوم به نوعی درگیر مسائل سیاسی و اجتماعی بوده و مناصب اجتماعی و سیاسی داشته است.

جایگاه سیاست و حکومت در اندیشه کمره‌ای

مفهوم سیاست: شیخ کمره‌ای همچون دیگر اندیش‌مندان اسلامی، «؛سیاسة العباد والبلاد» را به معنای «؛تدبیر امور» و «؛تصرف در امور دینی و دنیوی» مردمان در جهت اصلاح و انتظام زندگی آنان دانسته و معتقد است که از نظر شیعه، یکی از دلایل لزوم ریاست و امامت در اجتماع انسانی، همانا ضرورت تدبیر سیاسی و انتظام امور انسان‌ها است؛ از این‌رو به اعتقاد وی، علم به «؛کیفیت سیاست» عباد و بلاد یکی از شرایط اساسی رئیس و امام از نظر شیعه است.

دین و سیاست: براساس آن چه بیان شد می‌توان گفت که کمره‌ای سیاست را تدبیر و توأمان امور دینی و دنیوی دانسته است.

ضرورت سیاست و حکومت

با توجه به آن چه گذشت از نظر شیخ کمره‌ای، تدبیر امور مردمان یا سیاست‌العباد والبلاد یکی از ضرورت‌های غیر قابل انکار زندگی اجتماعی انسان‌ها تلقی می‌شود و این امر یکی از دلایل اساسی ضرورت امامت و ریاست از نظر شیعه است؛ لذا ایشان در بیان ضرورت وجود يك رئیس در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌نویسد: «؛ان الضرورة قاضية بان للخلق لابد من رئیس قاهر مرشد؛ مقتضای ضرورت عقل آن است که انسان‌ها همواره به رئیسی قدرتمند و مقتدر و هدایت‌کننده نیاز دارند.»

اندیشه سیاسی فاضل هندی

بهاء‌الدین محمد بن حسن اصفهانی مشهور به فاضل هندی (1062-1137 هجری قمری) از چهره‌های برجسته علمی عهد اخیر صفوی و از جمله فقهای نامدار شیعه در این عصر است. جایگاه رفیع علمی وی به ویژه به عنوان یکی از مروجان اصلی فقه اجتهادی در این دوره (دوره اوج رواج نگرش اخباری‌گری)، اهمیت بازکاوی اندیشه‌های فقهی سیاسی ایشان را دو چندان کرده است.

در نوشته حاضر برای نیل به این هدف، پس از معرفی اجمالی زندگی و اوضاع زمانه وی، دیدگاه وی را در زمینه موضوعاتی چون جایگاه سیاست و ضرورت آن، منشا مشروعیت ریاست و حکومت و انواع آن، چگونگی تعامل با حکومت‌های غیر معصوم در عصر غیبت، رهبری و شرایط آن، حکومت مطلوب، چگونگی روابط مردم و حاکمان اسلامی و برخی از روش‌های مدیریت جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار داده است.

زندگی و شخصیت

ابوالفضل بهاء‌الدین محمد اصفهانی مشهور به «؛فاضل هندی» در سال 1062 هجری در اصفهان به دنیا آمد و پس از طی مراحل مختلف تحصیل علوم دینی در شمار فقیهان بلند پایه مکتب امامیه در اواخر دوره صوفی قرار گرفت. پدر وی، تاج‌الدین حسن اصفهانی مشهور به ملا تاج یا تاج‌الدین حسن از علمای بنام اصفهان در اواخر قرن یازدهم بود. فاضل هندی بیش‌ترین بهره علمی خود را نیز از وی برده است و از او با عنوان «؛والدی العلامة تاج العمامة» یاد می‌کند. وی علاوه بر پدرش از شاگردان علامه مجلسی نیز به شمار می‌رود.

در منزلت علمی فاضل هندی همین بس که وی در سنین پیش از بلوغ، تالیف را آغاز می‌کند و به قوه اجتهاد دست می‌یابد. بزرگانی مانند ملا عبدالکریم فرزند ملا محمد طاهر قمی از ایشان با عناوین «؛امجدالفضلاء العصر، اعظم علماء الدهر، اورع المجتهدین و امتن اهل البقین»؛ سیدعبدالله جزایری با عنوان «؛المفتی باصبهان»؛ حزین با عنوان «؛عمدة المجتهدین» و محقق تستری با عناوین «؛عالم عامل، فاضل کامل، محقق مدقق، غریب فقیه و حکیم متکلم» تمجید کرده‌اند.

سماهیچی از علمای معاصر فاضل هندی نیز در عین حال که به خاطر تحریم نماز جمعه در عصر غیبت از سوی وی مورد انتقاد قرار گرفته بود، ضمن تاکید بر صلاحیت، دیانت، عفت، صیانت و عدالت فاضل هندی، بر منزلت بالای علمی او اذعان کرده است.

جایگاه علمی فاضل هندی

در زمان حیات علمی فاضل هندی در حوزه فقه شیعه، نگرش اخباری بیش از هرزمان دیگری در اصفهان رواج و حاکمیت داشت و علامه مجلسی نماینده معتدل این نگرش محسوب می‌شد. اما در کنار این حرکت نیز مجتهدانی چون آقاجمال خوانساری و فاضل هندی در ترویج مسلک اجتهادی بر مبنای استدلال‌های عقلانی و بهره‌گیری از دانش اصول کوشش می‌کردند، لذا می‌توان گفت که فاضل هندی در این دوره با نگرارش کشف‌الثام که شرحی بر قواعد الاحکام علامه است و المناهج السویه که شرحی بر شرح لمعه شهید ثانی است، در زمینه فقه اجتهادی نقش ممتازی را ایفا کرد. تاثیر و جایگاه این تلاش‌های اجتهادی وی در دوران بعدی به حدی است که گفته شده صاحب جواهر، اعتماد زائدالوصفی به کتاب کشف‌الثام فاضل داشته و چیزی از جواهر را نمی‌نوشت مگر آن که کشف‌الثام در دسترس او باشد.

صاحب ریاض و شیخ اعظم انصاری نیز در سطح گسترده از این کتاب استفاده کرده‌اند. جایگاه او در فقه استدلالی شیعه تا جایی است که صاحب جواهر درباره وی می‌گوید: «و لو لم یکن الفاضل فی ایران ما ظنت ان الفقه صار الیه؛ اگر فاضل هندی در ایران به منصف ظهور نمی‌رسید، گمان نمی‌کردم که فقه در آن جا به کمال خود برسد.»

وی از لحاظ مکتب فقهی، حلقه آخر مکتب فقهی محقق کرکی در عصر صفوی است، چرا که پس از او این مکتب در اصفهان افول کرد و به حوزه نجف منتقل شد.

وی علاوه بر حوزه فقهات در حوزه فلسفه و کلام نیز دارای اندیشه‌های درخشانی بود. او از جمله فقهای شیعی است که به تعبیر دکتر دینانی، نه تنها با اندیشه‌های فلسفی مخالفت نداشته، بلکه خود در زمره فلاسفه نیز بوده است و با نوشتن چندین اثر فلسفی و کلامی، راه علوم عقلی را نیز برای مشتاقان این علوم هموار ساخته است.

فاضل هندی به عنوان یکی از فقها و فیلسوفان اواخر عصر صفوی مانند دیگر علمای این دوره با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی، با پذیرش و رضایت از نوعی تقسیم قدرت میان سلاطین صفوی و علمای مذهبی، بیش‌ترین تلاش خود را در حوزه امور شرعی و تبیین مبانی فقهی - سیاسی و اجتماعی متمرکز کرده است، بنابراین ایشان با تعریف سیاست به تدبیر امور جمعی انسان‌ها و امر ملک‌داری، یکی از ضرورت‌های زندگی جمعی انسان را تشکیل مدینه و در نتیجه، وضع قانون (سنت) و ایجاد عدالت دانسته و بر همین اساس وجود سان (قانون‌گذار) و معدل (مجری قانون و برقرار کننده عدالت) را ضروری شمرده و این ضرورت را برای همه زمان‌ها و مکان‌ها لازم دیده است. وی براساس اعتقاد به پیوستگی این نوع سیاست با آموزه‌های دینی، بر این باور است که ایده‌آل‌ترین فرد برای این تدبیر کسی است که از حکمت نظری و علمی توانمند برخوردار باشد، چرا که چنین شخصی در واقع از فضایل نبوی برخوردار است و حق دارد که به عنوان خلیفه خدا بر روی زمین سلطنت کند و مردم او را اطاعت کنند.

بنابراین، وی همواره در عصر حضور نبی(ص) و امام معصوم(علیه‌السلام) و هم در عصر غیبت، ریاست و ملک‌داری را از شوون کسانی می‌داند که علاوه بر سیاست و سلطنت ظاهری که شرط لازم آن، علم به سیاست و ملک‌داری است، عالم به مسائل دینی بوده و از تقوا و عدالت که شرط اساسی امامت دینی است، برخوردار باشند. بر همین اساس، وی منشا اصلی قدرت و حاکمیت را از جانب خدا دانسته، نص الهی را برای تعیین حاکم و رهبری جامعه دینی لازم می‌شمارد. به اعتقاد وی، رهبری جامعه اسلامی، تنها ملک‌داری و پادشاهی نیست، بلکه تصرف در همه امور دینی و دنیوی مردمان است، پس باید علاوه بر شرایط ملک‌داری، شرایط رهبری دین‌داری را نیز که عبارت از عدالت و علم به احکام و آموزه‌های دینی است، داشته باشد. بنابراین علاوه بر انتخاب و پذیرش از سوی مردم، اذن از سوی خدا و رسول و امام معصوم(ع) شرط اساسی برای تعیین چنین شخصی است.

بر این اساس در عصر نبوت و امامت، حکومتی غیر از حکومت پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) و یا حکومت شخص ماذون از سوی ایشان مشروعیت ندارد. اما در عصر غیبت ایشان، ایده‌آل‌ترین نوع حکومت، حکومتی است که فردی در راس آن قرار گیرد که به واسطه علم به احکام الهی و اتصاف به عدالت و تقوا، از سوی امام عصر(عج) مرجع رسیدگی به امور و حوادث مردمان باشد. البته از آن جا که چنین امری در شرایط حاکم بر دوران صفوی متصور نبوده است، ایشان نیز به صرف تصدی اموری چون قضاوت و اجرای حدود و بیان فتوای دینی از سوی علمای نایب و ماذون از سوی امام(ع) بسنده کرده و واگذاری سلطنت سیاسی و ملک‌داری را به سلاطین صفوی پذیرفته است.